**انترناسیونال می پرسد**

**انترناسیونال: امسال ما شاهد ابتکارات بسیاری در روز جهانی زن بودیم. ویژگی های این روز از نظر شما چه بود؟ تفاوتهای امسال و سالهای قبل را چگونه می بینید؟**

**شیرین شمس:** هشت مارس روز جهانی زن ١٣٩٧، نقطه عطف جدال زنان و جامعه با حکومت جمهوری اسلامی و عرض اندام سیاسی مقابل حکومت زن ستیز اسلامی محسوب می شود.

با اقدامات و کنشهای صورت گرفته بمناسبت هشت مارس در سطح شهرهای مختلف ایران، در دانشگاه، و حتی پیامهای تصویری منتشر شده از روستاهایی در ایران، یک واقعیت مهم نمایان می شود و آن اینست که علی رغم تهدیدها و فشارهای وارده به فعالین از سمت دستگاههای امنیتی، علی رغم فضای سرکوبی که حکومت با آن قصد مرعوب کردن جامعه را دارد، "روز جهانی زن" امسال بصورت گسترده و اجتماعی، و با ابتکارات و اقداماتی برگزار شد که مفهومی کاملا سیاسی و اعتراضی داشت.

روز جهانی زن امسال، به فاصله کوتاهی از "روز زن" در جمهوری اسلامی فرا رسید؛ روز تولد فاطمه که حکومت چهاردهه با صرف هزینه های نجومی، تلاش کرده این روز را به عنوان روز زن به جامعه تحمیل کند و تمام نیروی سازماندهی خود را بکار گرفته که جامعه را به ظرفی برای مزین کردن ارزشهای ارتجاعی و اسلامی تبدیل کند. اما کنشهای انجام شده از روزها قبل از فرا رسیدن و در سررسید هشت مارس، دو واقعیت مهم را نشان میدهد؛ یکی اینکه جمهوری اسلامی در مهار و کنترل زنان ایران، که ابزاری برای سرکوب جامعه بوده یک حکومت ناتوان است و این ناتوانی بدون چهل سال مبارزه و جدال روزانه زنان با این حکومت بر سر حجاب اجباری، تفکیک جنسیتی و قوانین اسلامی، میسر نمیشد. و دیگری اینکه، این حکومت در اسلامیزه کردن جامعه ایران، در حمله به مدنیت و مدرنیسم، و نابود کردن ارزشهای جهانشمول انسانی، یک حکومت شکست خورده است، چرا که پس از چهل سال سرکوب و تحمیل ارزشهای اسلامی، جامعه همچنان به سراغ ارزشهای جهانشمول انسانی می رود و "روز جهانی زن" را در سطح شهرهای مختلف ایران گرامی میدارد.

اجتماعی بودن، اعتراضی و سیاسی بودن هشت مارس، چشمگیر بودن دخالتگری طیف های مختلف جامعه و همبستگی جنبش های مبارزاتی و سیاسی با جنبش نوین رهای زن را در چندین اقدام که در ذیل به آن میپردازم، می توان دید؛

نمایشگاه خیابانی عکس با شعار "انقلاب زنانه"، شامل عکسهایی از تظاهرات هشت مارس سال ١٣٥٧ در اعتراض به فرمان خمینی به حجاب اجباری، و عکسهایی از مبارزات چهل ساله زنان ایران یکی از اقدامات سیاسی و رادیکال امسال بود. این نمایشگاه که با پخش و نصب پوسترهایی در خیابان انقلاب و مقابل دانشگاه تهران، در خیابان کاگر و خیابان ویلا در تهران با شعار "خانه، خیابان، کارخانه، انقلاب زنانه" روی دیوارها و ایستگاههای اتوبوس و باکس های برق و تابلوهای راهنمایی و رانندگی برگزار شد، یکی از مناطق مهم و استراتژیک تهران را که اتفاقا حکومت نیروی سرکوب قابل توجهی در آن مستقر میکرده است را به خود اختصاص داد.

توسط گروهی دیگر، در همین منطقه تهران، کتابچه‌هایی به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن توزیع شد که مورد استقبال خوبی توسط رهگذران قرار گرفت.

پخش تراکت در محله های تهران با شعار "زن، کارگر، دانشجو، اتحاد اتحاد"، پرفورمنس درباره حقوق زنان در پارکی در تهران، گرافیتی ها و شعارنویسی ها با مضمون هشت مارس و حقوق زنان، پوشش اختیاری، آزادی، نقش انقلابی زنان، از دیگر اقدامات اجتماعی امسال بود.

در محله های شیراز، پخش پوسترها و تراکت های انقلاب زنانه در حمایت از فعالین دربند با تصاویری از سپیده قلیان، آتنا دائمی، گلرخ ایرایی، ساناز الهیاری، و در گرامیداشت سمبل های مقاومت و ایستادگی زنان، زهرا نویدپور، ریحانه جباری و ندا آقا سلطان، پوسترهایی از چهل سال مبارزه زنان ایران، و نیز پخش "کیفرخواست زنان ایران" علیه چهل سال شکنجه، بیحقوقی، آزار و اذیت جسمی و روانی، تجاوز جنسی و جنایتهای سازماندهی شده قانونی، دولتی و قضایی و در یک کلام حکومتی صورت گرفت.

در مرکز و بازار شهر تبریز، شاهد پخش و نصب تراکت های انقلاب زنانه با شعار حکومت "ضدزن، شکنجه، سرکوبگر، سرنگون سرنگون" و "زنده باد دختران خیابان انقلاب" ، "زنده باد انقلاب زنانه" ، "زنده باد هشت مارس روز جهانی زن " بودیم.

در دانشگاه علامه تهران، تریبون آزاد بمناسبت هشت مارس برگزار شده بود که دانشجویان پیشرو و رادیکال، سن تریبون آزاد را با نصب پوسترهایی با تصاویری از جدال زنان با گشت ارشاد مزین کرده و یک دانشجوی زن به سخنرانی علیه بردگی جنسی و عدم حمایت قانونی از زنان قربانیان آزار و اذیت جنسی پرداخت.

در مترو تهران، پخش گل به مناسبت هشت مارس و تبریک این روز مهم از طرف جمعی از زنان، به زنان دیگر در مترو اقدام اجتماعی و جالب دیگری بود.

در سطح شهر تهران، هشت مارس را در دوچرخه سواری یک زن که دوچرخه اش با بادکنکهای قرمز تزیین شده بود و پیام برابری زن و مرد میداد، بین هنرمندان و نوازندگان خیابانی، بین دستفروشان زن، در آرایشگاههای زنانه، بین کوهنوردان دارآباد تهران، هم میشد دید که حتی روزها قبل از قرا رسیدن این روز، با شعار گرامی باد هشت مارس و "برابری زن و مرد" شهر را به مطالبات پیشرو زنان مزین کرده بودند.

نمایشگاه خیابانی عکس در اعتراض به کودک همسری که مورد بازدید مرضیه ابراهیمی قرباني اسيدپاشي های زنجیره ای بصورت زنان به تحریک امام جمعه اصفهان قرار گرفت، و سخنرانی فعالین حقوق زنان بدون حجاب در خیابان ولیعصر تهران، دیدار با زنان بیمار و پرستاران زن در یکی از مراکز درمانی به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن، و برگزاری مراسم هشت مارس در تهران به همت ندای زنان ایران، از دیگر ابتکارات مهم و تاثیرگذار امسال بود.

مراسم هشت مارس در تهران برگزاری روز جهانی زن در سنندج و حومه سنندج و در بین کوهنوردان اشنویه، کامیاران هم از جمله اقداماتی است که جا دارد به آنها اشاره شود.

"گرامی باد هشت مارس" در مدارس ایران توسط معلمان و دانش آموزان روی تخته های کلاسها نقش بست و حتی معلمان شیراز اقدام به یک کار جمعی با در دست داشتن پلاکارهایی در حمایت از حقوق زنان کردند.

در شبکه های اجتماعی شاهد انتشار پیامهای تصویری از شهرها و روستاهای داخل ایران با تاکید بر ضرورت مبارزه با جمهوری اسلامی برای تحقق حقوق زنان، و شعارهای "نه به حجاب اجباری"، "برابری زن و مرد" ، "رهایی زن رهایی جامعه" و "نه به تبعیض علیه زنان"، "نه به سرکوب فعالین و زنان" بودیم و نیز به اشتراک گذاری پیامهای تصویری از برداشتن حجاب ها در سطح شهر و اماکن عمومی و مقابل مساجد، به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن.

یکی دیگر از ویژگی های هشت مارس امسال، پیامهایی بود که از طرف زندانیان سیاسی زن و فعالین دربند داده شد که آتنا دائمی، گلرخ ایرایی و مریم اکبری منفرد جزء این دسته بودند که علی رغم همه خشونت های اعمال شده بر آنها در طول مدت حبس تسلیم نشدند. این اقدام نماد عینی شعار "نه تهدید نه زندان دیگه فایده نداره" بود که این روزها در تجمعات و تظاهراتهای جنبش های مختلف اعتراضی سر داده می شود.

یک نقشه عمل کامل و جامع که شامل اقدامات پیشنهاد شده در داخل و خارج و شبکه های اجتماعی بود و متریال کاملی که در اختیار همگان قرار گفت، توانست به همت زنان و جوانان و دانشجویان و فعالین در حرکتهای خیابانی و بصورت اجتماعی در داخل، ضمن گرامیداشت هشت مارس این روز مهم جهانی و تاریخی، و ضمن ارج نهادن به مبارزات چهل ساله زنان ایران، در سطح پراتیک به یک عرض اندام سیاسی مقابل جمهوری اسلامی تبدیل شود. امسال پرچم انقلاب زنانه یکبار دیگر در شهرهای ایران بالا برده شد و جنبش نوین رهایی زن توانست، دیگر جنبش های سیاسی، مبرازاتی و اعتراضی را نیز با خود همراه کند.

اطلاعیه ها، بیانیه ها و پیام های تشکلهای کارگری و فعالین این عرصه نیز، امسال نسبت به سالهای قبل بیشتر و چشمگیرتر بود و این نشان میدهد که توجه ها بیش از قبل به جنبش نوین رهایی زن و نقش زنان در رادیکالیزه کردن اعتراضات بیش از گذشته، در یک اصطلاح نقش انقلابی زنان و انقلاب زنانه جاری در جامعه ایران، معطوف شده، و جنبش های مبارزاتی و سیاسی دیگر، بیش از قبل به درجه اهمیت بالا بردن پرچم رهایی زن برای رهایی کل جامعه در مقابل حکومتی که با حجاب اجباری و پرچم زن ستیزی، از سال 57 اقدام به سرکوب زنان، شوراهای کارگری و کل جامعه کرد پی برده اند؛ رویکردی که نسبت به سالهای قبل پررنگتر و برجسته تر شده و بیشتر مورد توجه فعالین قرار گرفته است. اطلاعیه ها و بیانیه های اتحادیه آزاد کارگران ایران، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اتحادسراسری بازنشستگان ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کانون نویسندگان ایران و پیام پروین محمدی فعال کارگری از جمله این اقدامات بودند.

در خارج کشور هم شاهد یک همبستگی وسیع با زنان و مردم ایران، مراسم هشت مارس، از طریق برگزاری نمایشگاه عکس از چهل سال مبارزه زنان ایران، حمایت از فعالین دربند و شعارهایی علیه حجاب اجباری، علیه قوانین اسلامی و سرکوب زنان و جامعه و علیه کلیت جمهوری اسلامی در تجمعات و مراسم و تظاهرات های ده ها شهر اروپا، کانادا و ترکیه برگزار شد. از جمله این شهرها به وین اتریش، استکهلم سوئد، آمستردام هلند، دنهاخ هلند، گوتبرگ سوئد، پاریس فرانسه، کوپنهاگ دانمارک، ونکوور و تورنتو کانادا، کلن و فرانکفورت و هانوفر و لایپزیک آلمان، مالمو سوئد، هلسینکی فنلاند و اسکیهشیر ترکیه می توان اشاره کرد که فقط با سازماندهی حزب کمونیست کارگری ایران و سازمان جوانان این حزب امکان پذیر بود.

هشت مارس ٢٠١٩، روز جهانی زن، چهلمین سالگرد آغاز شکل گیری جنبش نوین رهایی زن با پرچم انقلاب زنانه علیه حجاب اجباری، تفکیک جنسیتی، بردگی جنسی و کلیت جمهوری اسلامی بود، و بدرستی اقدامات انجام شده امسال، به گرامیشدات چهل سال مبارزه زنان ایران برای رهایی از شر فرهنگ و قوانین اسلامی و نرینه سالار، و به یک سازماندهی اجتماعی، برای بیان مطالبات چپ، رادیکال، آزادیخواهانه، برابری طلبانه، و سکولار در امر رهایی زن که خواهان قطع دست مذهب از زندگی زنان و جامعه و خواهان پایان دادن به ستم طبقاتی هست اختصاص داده شد. البته که فضای رادیکال و اعتراضی و سیاسی ایران، در این امر بی تاثیر نبود؛ اعتراضات سراسری دیماه ٩٦، کارزار تکثیر دختران خیابان انقلاب، اعترضات مرداد ٩٧، اعتصابات کامیونرانان، اعتصابات معلمان، اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه و فولار اهواز و اعتراضات دانشجویان در ١٦ آذر ٩٧، گفتمان اداره شورایی در فضای سیاسی ایران، ایستادگی و مقامت فعالینی چون اسماعیل بخشی و سپیده قلیان زیر ضرب سرکوب، در تقویت جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی تاثیر بسزایی داشت و شیب زمین مبارزه به سمت انقلاب و توازن قوای سیاسی را به نفع جنبشهای اعتراضی و سیاسی تغییر داد. هشت مارس روز جهانی زن سال ٩٧ در تاریخ مبارزات زنان و مردم ایران، به نفع انقلاب و جنبش سرنگونی، و علیه جمهوری اسلامی و جنبش اسلامی سیاسی ثبت شد.

**بزرگداشت ٨ مارس روز جهانی زن در شهرهای کردستان : امسال مردم در کردستان چگونه به استقبال ٨ مارس رفتند؟**

نسان نودینیان : امسال این تنها زنان و یا بقول شما مردم مبارز نبودند که به استقبال روز جهانی زن (هشت مارس) رفتند. امسال حکومت اسلامی با دوایر اطلاعات و سپاه پاسداران و قوه قضائیه هم به "استقبال" هشت مارس رفتند. اولی ها جنبش رهایی زن، زنان انقلابی و مردم در تدارک مراسمهای بزرگ در شهرها و سالنهای بزرگ بودند. برنامه های آنها جلسه و پانل و جشن و شادی بود . دومی ها؛ جبهه ضد زن، حکومت اسلامی با آمادگی از قبل تدارک دیده شده و از چند هفته قبل از هشت مارس دست به تهدید، احضار و دستگیری ده ها نفر از فعالین اجتماعی زدند. برای تعداد زیادی احضاریه فرستادند و ده ها نفر را تهدید کردند و تعدادی هم دستگیر شدند. در یک کلام دو جبهه، مردم و حکومت اسلامی به استقبال هشت مارس رفتند! زنان و جبهه جنبش رهایی زن، فعالین کارگری و معلمان و فعالین اجتماعی میخواستند برنامه های شادی و جلسات بزرگ در گرامیداشت هشت مارس برگزار کنند . دشمنان مردم و حکومت ضد زن مانع برگزاری مراسم و جشن و شادی در روز هشت مارس شدند.

خارج از این جبهه بندی واقعی که در کردستان ایجاد شده بود، مراسمهای با شکوهی در روز جهانی زن (١٧ اسفند ـ ٨مارس) برگزارشد. در این شماره انترناسیونال گزارش ما در ارتباط با مراسمهای هشت مارس را منتشر کرده اید. جنبش رهایی زن و مردم آزادیخواه تلاش کردند سیاستهای دستگیری و احضاریه و تهدید حکومت اسلامی را با تجمع در اطراف شهرها و برپایی مراسم و جشن و شادی خنثی کنند. در همین رابطه در شهرهای سنندج، سقز، پیرانشهر، بانه و کامیاران مراسمهای خوب و با شکوهی برگزار شدند.

اینجا این را نیز اضافه کنم، تلاش ما و تعداد زیادی از فعالین جنبش رهایی زنان این بود که مشخصات سیاسی و شرایط متفاوت کنونی را تعریف و خود را برای سازماندهی جنبش نوین زنان در کردستان آماده کنیم.

اولین فاکت؛ جنبش اعتراضی مردم در ایران برای بزیر کشیدن حکومت اسلامی سرمایه است. تحت تاثیر این جنبش اعتراضی و مبارزاتی فضای سیاسی ــ اجتماعی جامعه تغییر کرده، در یکسال گذشته در سطح سراسری و در کردستان حضور فعال زنان در اعتراضات برجسته شده است. در اعتصاب عمومی مردم در کردستان در ٢١ شهریور ماه زنان در سازماندهی اعتصاب نقش قابل توجهی داشتند. اعتصابات معلمان در کردستان با استقبال گرمی انجام شد. زنان معلم در این اعتصابات نقش مهم و بزرگی داشتند. ما در کردستان باید بتوانیم با بکارگیری فاکتهای موجود تغییر اوضاع سیاسی و مبارزاتی کنونی و بمیدان آمدن زنان به سازماندهی جنبش نوین زنان و جنبش رهایی زن جواب بدهیم. یکی از مهمترین فعالیت ما در کردستان این مساله مهم و سازماندهی زنان مبارز و کمونیستی است که فی الحال موجودند اما هنوز در قامت جنبش رهایی زن به اندازه کافی ابراز وجود نکرده اند.

**در مورد انتصاب رئیسی به قوه قضاییه: معنای این انتصاب چیست؟ چه هدفی را دنبال میکنند؟ چرا الان؟**

**فاتح بهرامی:** گماردن رئیسی، "جنایتكار تاریخ"، به راس قوه قضائیه نمونه دیگری از افلاس و استیصال خامنه‌ای در مقابل مردمی است كه برای سرنگونی این رژیم بپاخاسته اند. نشاندن جلاد بر صندلی "قاضی القضات" نشان دادن چنگ و دندان به مردم و دهن كجی به خانواده های قربانیان كشتار سال ٦٧ است. اما مگر رهبر آدمكشان جمهوری اسلامی در مقابل تنفر و انزجار مردم از این حكومت راه دیگری جز سركوب و دهن كجی میشناسد؟ انتصاب رئیسی قرار است جامعه را مرعوب كند، اما مدتهاست كه پاسخ مردم به ارعاب حكومتی صریح و با صدای بلند اینست كه "دیگر اثر ندارد".

در شرایط سیاسی امروز ارعاب حكومت عموما نتیجه معكوس دارد، مردمی كه قرار است مرعوب بشوند در مبارزه شان شجاعتر و بی باك تر از قبل با رژیم روبرو میشوند. حرفهای فعالین كارگری در داخل و خارج از زندانها كه صریح و بی پروا نقدشان و حقشان را فریاد میزنند نمونه ای از این واقعیت است. ٨ مارس امسال یك نمونه مهم دیگر است كه در ابعادی بیسابقه و كیفیتی متفاوت از قبل جنبش رهائی زن عرض اندام كرد، و زنان مبارز حتی بدون حجاب عكسهای جمعیشان را در اینترنت پخش كردند. خامنه‌ای و دیگر جانیان حكومت این پیشروی جنبش سرنگونی را میدانند و نتوانسته اند جلو آنرا بگیرند، بهمین دلیل ارعابشان از قدرقدرتی نیست از افلاس و استیصال است.

آنچه كه خبر انتصاب رئیسی را برجسته كرد به تفاوتهای صادق لاریجانی و ابراهیم رئیسی مربوط نیست. ایندو مثل هم هستند، شاید یكی از تفاوتهای مهمشان رنگ عمامه های آنها باشد، اما هر دو از نزدیكترین موجودات داخل حكومت به خامنه ای و مطیع او هستند، هر دو فاسد و جنایتكارند، هر دو نزد مردم جزو منفورترین عناصر رژیم هستند... عملكرد لاریجانی در ده سالی كه در راس قوه قضائیه بوده زبانزد خاص و عام است. قوه قضائیه این حكومت دستگاه سازمان دادن قتل و جنایت آزادیخواهان و كارگر و زن معترض به این سیستم، و جاری كردن قوانین و مجازاتهای توحش اسلامی است كه موجوداتی مثل این دو را لازم دارد كه در راس آن باشند. آنچه در مورد خبر انتصاب رئیسی توجه ها را جلب كرده این نكته است كه خامنه ای مجبور شده خشن ترین تصویر از قوه قضائیه را برای دور آینده به جامعه بدهد. ارائه این تصویر با انتصاب رئیسی ممكن میشود كه بدلیل اینكه در سال ٦٧ یكی از ٤ نفری بود كه بدستور خمینی "حكم خدا" را اجرا كردند و فرزندان مردم را به جوخه اعادم سپردند، در جریان مضحكه انتخاباتی ٩٦ به "آیت الله قتل عام" مشهور شد و او كسی است كه علیه "حقوق بشر" رجز میخواند و قطع دست را جزو "افتخارات جمهوری اسلامی" میداند.

رئیسی قرار است تلاش كند دستگاه قوه قضائیه را طوری بازسازی كند كه پاسخگوی شرایط امروز باشد كه جنگ مرگ و زندگی برای این حكومت است. خودشان البته به سر و سامان دادن به معضلات این دستگاه و به فساد عمیق و گسترده ای كه دامنگیر آن است تاكید میكنند، و همچنین امید دارند كه بین سایر قوا هماهنگی و همكاری ایجاد كند. در این میان عكس العمل یك طیف "اصلاح طلبان" از انتصاب رئیسی قابل توجه بود كه ضمن استقبال و ابراز خوشحالی، رئیسی جلاد را به لقب "فرزند دادگستری" مفتخر كردند. این البته جای تعجبی نیست، اینها، "اصلاح طلب و اصولگرا"، سر و ته یك كرباسند و جناحهائی از حكومتند كه بود و نبودشان به موجودیت این رژیم وابسته است. "اصلاح طلبان" البته هنر رنگ كردن قورباغه را بهتر از جناح دیگر بلدند، و قادرند كه با ادبیاتی بعضا متفاوت با آخوندها و جناح سنتی رژیم تصویر امروزی تری از خود بدهند و برای شیره مالیدن بر سر مردم آنرا بكار بگیرند. اطلاق "فرزند دادگستری" به "آیت الله قتل عام" بعنوان یك مصداق قورباغه رنگ كردن دیگر شرم آور است. قوه قضائیه جمهوری اسلامی دستگاه دادگستری نیست، دستگاه قتل گستری و جنایت گستری و توحش گستری است.

جمهوری اسلامی در یك بحران همه جانبه و بن بست جدی قرار دارد. اقتصاد این رژیم ورشكسته و در حال فروپاشی است و هیچ راه حل اقتصادی و سیاسی در چهارچوب این حكومت برای آن وجود ندارد. بخشی از این حكومت، از آخوندها و سپاه و دیگر سرمایه داران از این وضعیت نفع میبرند. عده ای از همینها هر روز در حال بالاكشیدن ثروت جامعه و خارج كردن ارز هستند و ثروت بادآورده را دارند منتقل میكنند و گویا خود را برای فرار آماده میكنند. اما برای اكثریت بالائی از جامعه زندگی در این شرایط دارد بسمت غیر ممكن سیر میكند. تعیین تكلیف مردم كارگر و زحمتكش و آزادیخواه با این حكومت به صدر دستور جامعه رانده شده و سران رژیم اینرا میدانند. مهمترین معضل حكومت اسلامی همین مردمی است كه علیه او برخاسته اند. بحران اقتصادی و بحران محیط زیست و فقر و بیكاری گسترده و دیگر مصائبی كه امروز گریبانگیر جامعه است همگی به زندگی همین امروز مردم وصل است و از اینرو حل معضلات آنها به سرنگونی این رژیم گره خورده است. بمیدان آمدن كارگران و زنان و مردم آزادیخواه از یكسو و مقابله حكومت با آن صورت مساله اصلی سیاست در ایران است. ارعاب همانطور كه اشاره كردم روی مردم عموما تاثیر ندارد و حتی تاثیر معكوس دارد. از آنطرف جمهوری اسلامی علیرغم تضعیف و بحران هنوز قدرت سركوب دارد و میتواند برای عقب راندن مردم از آنان قربانی بگیرد. اما امروز دوره ٣٠ سال پیش و تابستان ٦٧ نیست. دهه ٦٠ دهه تثبیت حكومت بود و دهه ٩٠ دهه پایان جمهوری اسلامی میتواند باشد. آنچه امروز و تا به مساله مقابله با سركوب حكومت برمیگردد این نكته است كه امكان افسار زدن به قدرت سركوب حكومت وجود دارد و باید برای كار كرد. این در درجه اول مستلزم حضور متشكل و قدرتمند طبقه كارگر و متشكل شدن جنبشهای اعتراضی و تلاش رهبران عملی كارگران و این جنبشهاست.\*

**دولتهای ترکیه و حکومت اسلامی به دنبال عملیات مشترکی علیه پ ک ک در ترکیه هستند؟ تاثیرات این اقدام بر معادلات منطقه و نیروهای سیاسی چه خواهد بود؟ چه تاثیری در موقعیت نیروهای ناسیونالیست کرد در ایران خواهد داشت؟**

**محمد آسنگران :** این دومین بار است که مقامات ترکیه در دو سال اخیر چنین ادعاهایی میکنند و جمهوری اسلامی در قبال آن سکوت کرده است. له و علیه آن چیزی نگفته است. اما تحلیلا میتوان گفت چنین گفتگوها و تصمیماتی مورد بحث این دو حکومت بوده است. اجازه بدهید قبل از پاسخ به سوال شما بگویم این مباحث نتیجه چه توافقات دیگر است. همگان میدانند که جمهوری اسلامی و ترکیه و روسیه در مورد بحران و جنگ سوریه توافقاتی کرده اند. یکی از آن توافقات این است که ارتش سوریه بر تمام مرزها و خاک سوریه تسلط پیدا کند. برای این کار دو مانع وجود داشت یکی منطقه شمال و شرق سوریه که تحت کنترل نیروهای ی.پ.گ است و دوم ادلب در شما غرب سوریه است که هنوز تحت کنترل نیروهای تروریست اسلامی متحد ترکیه است.

از قرائن چنین پیدا است که ترکیه و جمهوری اسلامی و روسیه در هماهنگی با سوریه توافق کرده اند که در مقابل تسلط ارتش سوریه بر ادلب، خواست ترکیه برای محدود کردن پ.ک.ک در قندیل و ی.پ.گ در شمال و شمال شرقی سوریه را بپذیرند. در مورد کردستان سوریه مذاکره ی.پ.گ با دولت سوریه آغاز شده است. نتیجه این مذاکرات قرار است با اعزام نیروهای ارتش سوریه به مناطق شمال و شمال شرقی سوریه اجرایی بشود. روسیه رسما این سیاست را اعلام کرده است. آمریکا هم با اعلام خروجش از کردستان سوریه با دولت ترکیه توافقاتی کرده اند و قرار است نیروهای ی.پ.گ که متحد پ.ک.ک هستند مهار شوند و با ایجاد منطقه حائل مرزی مزاحمتی برای ترکیه ایجاد نکنند. اختلاف این دولتها در این رابطه فعلا چنین بیان شده است که ارتش ترکیه یا ارتش سوریه کدام یک بر این منطقه حائل نظارت کنند.

قدم بعدی این توافقات این است که برای خروج نیروهای اسلامی در ادلب ترکیه راضی به این اقدام بشود. اکنون خواست ترکیه برای رضایت دادن به این توافق، حمله مشترک ترکیه و جمهوری اسلامی به پ.ک.ک است. در واقع دولت ترکیه با اعلام این خبر دارد میگوید اگر کل توافقات قرار است انجام بشود و جریانات اسلامی ادلب را تحویل ارتش سوریه بدهند، باید حمله مشترک جمهوری اسلامی و ترکیه به پ.ک.ک عملی بشود.

اکنون روشن نیست که جمهوری اسلامی به این توافق پایبند خواهد بود یا با هماهنگی روسیه و سوریه حمله به ادلب را راسا آغاز میکنند و این بخش از توافق را نادیده میگیرند؟

پیچیدگی مسئله این است که جمهوری اسلامی و پ.ک.ک در یک توافق غیر رسمی قبلا برای تسلط ی.پ.گ بر کردستان سوریه، آتش بس در مرز ایران و ترکیه و عراق را عملی کرده اند. از سال ٢٠١٢ پ.ک.ک و جمهوری اسلامی و ی.پ.گ و پژاک در هماهنگی با هم عمل کرده اند. اکنون سپاه پاسداران و پ.ک.ک و پژاک در مرزهای کردستان ایران منتهی به قندیل با همدیگر هماهنگی و همکاری نزدیکی دارند. اگر جمهوری اسلامی بخواهد با دولت ترکیه دست به اقدام نظامی علیه پ.ک.ک بزند هم مذاکرات ی.پ.گ و سوریه با مشکل مواجه میشود، هم نگران این خواهد بود که آمریکا و اسرائیل و عربستان نیروهای مسلح پ.ک. و پژاک و ی.پ.گ را به جریان بارزانی نزدیک کنند و کل این جبهه به عامل فشاری علیه جمهوری اسلامی تبدیل بشود. زیرا در چنین حالتی احزاب ناسیونالیست کرد کردستان ایران هم به آن جبهه علیه جمهوری اسلامی خواهند پیوست. در چنین شرایطی بارزانی در هماهنگی با آمریکا تعیین کننده سیاست این جبهه خواهد بود.

بنابر این من تصور نمیکنم جمهوری اسلامی و ترکیه بتوانند در این مورد توافقشان را کامل اجرا کنند. حتی اگر جمهوری اسلامی برای راضی کردن ترکیه اقدامی نظامی هم علیه پ.ک.ک انجام بدهد محدود و غیر موثر و در هماهنگی با خود پ.ک.ک خواهد بود. زیرا جمهوری اسلامی در این شرایط بحرانی که در آن قرار گرفته است نمیخواهد کارت بازی با پ.ک. و پژاک و ی.پ.گ را بسوزاند. بویژه اینکه رابطه پ.ک.ک و خانواده اسد در سوریه قدمتی طولانی دارد. یک بار اسد ناچار شد توافقش با ترکیه علیه اوجلان را اجرا کند که به دستگیری اوجلان منجر شد. اما بعدا متوجه شد که ترکیه به دشمن درجه یک اسد تبدیل شد و در جریان بحران سوریه بارها و تا به امروز هم اسد را دشمن خود میداند.

بنابر این در صورتیکه جمهوری اسلامی ناچار بشود به خواست ترکیه عمل کند و جنگ جدی با پ.ک.ک و پژاک را در هماهنگی با دولت ترکیه پیش ببرد در این حالت پ.ک.ک و پژاک در تنگنا قرار خواهند گرفت و مذاکرات دولت سوریه و ی.پ.گ هم با مشکل مواجه خواهد شد. معنی چنین سیاستی این خواهد بود که بحران سوریه طولانی تر و پ.ک.ک هم ناچار خواهد شد متحدین و حامیان دیگری در میان دولتهای منطقه پیدا کند. جبهه بارزانی با حمایت عربستان و آمریکا تنها جایی است که پ.ک.ک به آن تکیه خواهد داد. در این حالت به خواست دولتهای رقیب جمهوری اسلامی جنگ فراتر از قندیل و فراتر از اهداف ترکیه خواهد رفت. نیروهای مسلح کردستان هر چهار بخش رویکرد دیگری در منطقه پیدا خواهند کرد و به ضرر جبهه سوریه و جمهوری اسلامی خواهد بود.

اگر بخواهم این نکات را خلاصه کنم با در نظر گرفتن بحران جمهوری اسلامی و بحرانهای منطقه ای دولت ترکیه و جمهوری اسلامی نمیتوانند این سیاست را همه جانبه پیش ببرند.

به احتمال زیاد نیروها و دولتهای مورد بحث ناچار میشوند راهی بینابینی انتخاب کنند. زیرا هم پ.ک.ک و اقمارش و هم جمهوری اسلامی به همدیگر احتیاج دارند و فعلا وارد جنگ نهایی با همدیگر نخواهند شد. دولت ترکیه هم ناچار است به خواست روسیه برای تخلیه جریانات اسلامی در ادلب گردن بنهد. اما احتمال درگیریهای محدود ترکیه و جمهوری اسلامی با پ.ک.ک هست ولی جمهوری اسلامی و پ.ک.ک دوست ندارند کل معادله فعلا موجود را بهم بزنند.